**«در محضر مرجعیت»**

**سلسله جلسات علمی حضرت آیت الله العظمی شیرازی دام ظله در ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 (جلسه هجدهم)**

هجدهم نشست علمی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله در شب های ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 با حضور جمعی از شخصیت های علمی، نمایندگان مراجع عظام تقلید، فعالان دینی و فرهنگی و طلاب علوم دینی، در شامگاه روز سه‌شنبه هفدهم رمضان المبارک ۱۴۴6 در بیت مرجعیت شهر مقدس قم برگزار شد.

مشروح مباحث مطرح شده در این نشست به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم، وله الحمد

پرسش: با توجه به آیه شریفه قرآن کریم: «وَ ما كانَ صَلاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكاءً وَ تَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما كُنْتُمْ تَكْفُرُون» (الأنفال / 35)، آیا دست زدن فعل حرامی می‌باشد؟

پاسخ: آیه شریفه دلالت دارد که دست زدن به عنوان یک عبادت خاص حرام است و موضوع آیه شریفه نهی از دست زدن به عنوان عبادت می‌باشد. از آنجا که کفار دست زدن را به عنوان عبادت در ایام حج انجام می‌دادند، لذا از این کار نهی شده است. اما آیه شریفه بر اینکه دست زدن به عنوان یک فعلی که فی نفسه حرام باشد، دلالت ندارد و مشهور فقها قائل به کراهت کف زدن شده‌اند.

پرسش: با توجه به اینکه ائمه علیهم‌السلام عالم به تمامی اتفاقات هستند، چرا به مکانی که در آن به شهادت می‌رسیدند، می‌رفتند و آیا این کار خودکشی نیست؟

پاسخ: یقینا و بدون هیچ شک و شبهه‌ای ائمه معصومین علیهم‌السلام به تمامی اتفاقاتی که قرار است بیافتد، علم دارند. همان‌طور که در جلسات گذشته بیان شد، ائمه خزانه‌های علم الهی هستند و خدای متعال امام را آگاه بر همه چیز نموده است، مگر علمی که خدای متعال برای خود نگه داشته است و در برخی از ادعیه به آن اشاره شده: «اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ» (الکافی، ج2، ص561، ح16 و ج4، ص452، ح1). وظیفه ائمه علیهم‌السلام این است که به علم ظاهری و عادی که دارند عمل کنند. همان‌طور که در صحیحه هشام بن الحکم از امام صادق علیه‌السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده است: «إِنَّمَا أَقْضِي بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الْأَيْمَانِ وَ بَعْضُكُمْ أَلْحَنُ بِحُجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ فَأَيُّمَا رَجُلٍ قَطَعْتُ لَهُ مِنْ مَالِ أَخِيهِ شَيْئاً فَإِنَّمَا قَطَعْتُ لَهُ بِهِ قِطْعَةً مِنَ النَّار» (وسائل الشیعة، ج27، ص232/ الباب 2، ح1). سیره معصومین علیهم‌السلام این است که به علم عادیشان عمل کنند و موارد نادری وجود دارد که به علم واقعی می‌کنند. در این زمینه، علم ظاهری نداشتند، اگرچه با علم امامتشان بر این واقعه هم واقف بودند. مرحوم علامه مجلسی از ارشاد شیخ مفید نقل می‌کند: و كان حجر بن عدي في تلك الليلة بائتا في المسجد فسمع الأشعث يقول يا ابن ملجم النجاء النجاء لحاجتك فقد فضحك الصبح فأحس حجر بما أراد الأشعث فقال له قتلته يا أعور و خرج مبادرا ليمضي إلى أمير المؤمنين علیه السلام ليخبره الخبر و يحذره من القوم و خالفه أمير المؤمنين علیه السلام من الطريق فدخل المسجد فسبقه ابن ملجم فضربه بالسيف و أقبل حجر و الناس يقولون قتل أمير المؤمنين علیه السلام (بحار الأنوار، ج42، ص230). مرحوم شیخ کلینی در کافی بابی قرار داده که «أن الأئمة علیهم السلام لم يفعلوا شيئا و لا يفعلون إلا بعهد من الله عز و جل و أمر منه لا يتجاوزونه» (الکافی، ج1، ص279) که صراحت در آگاه بودن اهل بیت علیهم‌السلام از طریقۀ شهادتشان را دارد و اینکه تمام کارهای ایشان به جهت عهدهای الهی بوده است. البته لازم به ذکر است که همان‌طور که شخص در هنگام جهاد می‌داند اگر جلو برود کشته می‌شود، با این وجود جلو رفتن او نه تنها مذموم نیست بلکه ممدوح است. امام علیه‌السلام نیز به جهت مزاحم اهمّ با علم به شهادتشان اقدام به این کار کردند و قاتل او اشقی‌الاشقیاء است و خودشان در بالاترین مرتبه نزد پروردگار متعال هستند.

پرسش: در مورد محمد بن سنان آمده است که در ایام حج خدمت امام رضا علیه‌السلام رسید و در مورد مشکلی که داشتند از حضرت طلب شفا خواستند و ایشان نامه‌ای به امام جواد علیه‌السلام نوشتند. آیا به جهت خود حضرت ایشان را شفا ندادند؟

پاسخ: مرحوم علامه مجلسی از رجال کشی نقل می‌کند: محمد بن سنان گفت: شَكَوْتُ إِلَى الرِّضَا علیه السلام وَجَعَ الْعَيْنِ فَأَخَذَ قِرْطَاساً فَكَتَبَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام وَ هُوَ أَقَلُّ مِنْ يَدِي وَ دَفَعَ الْكِتَابَ إِلَى الْخَادِمِ وَ أَمَرَنِي أَنْ أَذْهَبَ مَعَهُ وَ قَالَ اكْتُمْ فَأَتَيْنَاهُ وَ خَادِمٌ قَدْ حَمَلَهُ قَالَ فَفَتَحَ الْخَادِمُ الْكِتَابَ بَيْنَ يَدَيْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ فَجَعَلَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام يَنْظُرُ فِي الْكِتَابِ وَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ يَقُولُ نَاجٍ فَفَعَلَ ذَلِكَ مِرَاراً فَذَهَبَ كُلُّ وَجَعٍ فِي عَيْنِي وَ أَبْصَرْتُ بَصَراً لَا يُبْصِرُهُ أَحَدٌ... (بحار الأنوار، ج50، ص66، ح47). این حکایت از باب أهم و مهم بوده است و در این امر اتفاق مهم‌تری باید روی می‌داد که عبارت است از اینکه معجزه امام جواد علیه‌السلام باید ظاهر می‌شد تا کسی در امامت ایشان شک نکند.

پرسش: آیا به صرف واریز کردن مبلغی پول در حساب شخصی، به عنوان هدیه، آن شخص مالک آن پول می‌شود؟

پاسخ: قبض کردن شرط ملکیت در هدیه می‌باشد و قبض کردن در هر امری متفاوت است. مثلا در قبض خانه، سند زدن و یا کلید دادن می‌باشد و در این مورد مذکور نیز قبض صدق می‌کند.

پرسش: نماز کسی که قبل از اینکه به رکوع رود - سهوا - به سجده رفته است، چیست؟

پاسخ: اگر قبل از اینکه رکوع را به جا بیاورد، یک سجده رفت و یادش آمد، در این صورت باید بایستد و رکوع را به جا بیاورد و نمازش را ادامه دهد و بعد از نماز دو سجده سهو به جا بیاورد. اما اگر دو سجده را به جا آورد و یادش آمد، در این صورت نمازش به جهت زیادت رکن باطل است.

پرسش: در چه صورتی برگشتن از نیت روزه باعث باطل شدن روزه می‌شود؟

پاسخ: در جلسات گذشته بحث نیت قطع و قاطع مطرح شد و همچنین در سال‌های گذشته به طور تفصیلی این مسئله مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اگر شخص در روزه واجب معین، همچون روزه ماه رمضان، نیت قطع و قاطع کند و ملتفت به مفطریّت آن باشد، بنابر احتیاط واجب، روزه‌اش باطل است؛ ولی اگر ملتفت به مفطریّت آن نباشد، بنابر احتیاط مستحب، روزه‌اش باطل است. اما در روزه واجب غیر معین، اگر چه نیت قطع یا قاطع کند، به شرط آنکه قبل از زوال (اذان ظهر) نیت روزه کند، روزه‌اش صحیح است (ر.ک: العروة الوثقی، ج 3 / ص 15 / النیة: م 22). ممکن است گفته شود: پس چرا در نماز تا مبطلی را شخص مصلی مرتکب نشود، نمازش باطل نشده است؟ پاسخ داده می‌شود: با توجه به حدیث «لاتعاد»، فقها فتوی داده‌اند که نماز چنین شخصی باطل نیست.

پرسش: آیا بر شخص فقیر، پرداخت کفاره و فدیه واجب است؟

پاسخ: کفاره و فدیه بر شخص فقیر نیز واجب است و اگر این شخص قدرت ندارد به صورت یک جا پرداخت کند، باید به صورت قسطی پرداخت کند و هر مقداری که پول دستش آمد، مقداری از کفاره و فدیه را پرداخت کند. اما اگر به این صورت هم نمی‌تواند پرداخت کند، همان‌گونه که در جلسات گذشته بیان شد، به جای کفاره و فدیه استغفار کند.

پرسش: اگر از وجود مانع در اعضای وضو یا غسل شخصی اطلاع داریم که خودش مطلع نیست و با همان مانع وضو یا غسل می‌کند و نماز می‌خواند، آیا اطلاع دادن به او واجب است؟

پاسخ: واجب نیست به چنین شخصی بیان شود که غسلش یا وضویش باطل است، ولی نمی‌توان پشت سر آن نماز خواند، زیرا طهارت از حدث، شرط واقعی است نه شرط ذکری.

پرسش: اگر ببینیم بر لباس شخصی نجاست وجود دارد، آیا لازم است که به آن اطلاع دهم؟

پاسخ: در این صورت هم لازم و واجب نیست که به شخص اطلاع داده شود، ولی پشت سر این شخص می‌توان نماز خواند، زیرا طهارت در نماز شرط ذکری می‌باشد نه شرط واقعی.

پرسش: آیا رکوع هم مانند سجده عبادت خاص است و می‌توان در غیر نماز به عنوان عبادت به جا آورد؟

پاسخ: خدای متعال می‌فرماید: «يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» [الحج 22: 77]، و مراد از آن نماز به پا داشتن است. در سجده دلیل خاص وجود دارد که عبادت جداگانه می‌باشد و در غیر نماز می‌توان آن را به جا آورد، اما در مورد رکوع دلیلی وجود ندارد که در غیر نماز به عنوان عبادت خاص باشد. همان‌طور که در طواف و سعی هم اینچنین است، به این صورت که در غیر از اعمال حج، طواف خانه خدا به تنهایی مستحب است ولی سعی به تنهایی مستحب نیست. ممکن است گفته شود: در روایت داریم که ملائکه‌ای وجود دارند که در تمام عمرشان در حال رکوع هستند و این کار را به عنوان عبادت انجام می‌دهند. در پاسخ گفته می‌شود: اینکه امیر مؤمنان صلوات الله علیه در خطبۀ اول نهج البلاغة می‌فرماید: «ثُمَّ فَتَقَ مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ الْعُلَا فَمَلَأَهُنَّ أَطْوَاراً مِنْ مَلَائِكَتِهِ مِنْهُمْ سُجُودٌ لَا يَرْكَعُونَ وَ رُكُوعٌ لَا يَنْتَصِبُونَ وَ صَافُّونَ لَا يَتَزَايَلُونَ وَ مُسَبِّحُونَ لَا يَسْأَمُونَ»، این فعل به عنوان عبادت، مخصوص ملائکه می‌باشد و این به این معنا نیست که این حکم نسبت به ما هم جاری باشد.

پرسش: با توجه به اینکه «المشاهد المشرفه کالمساجد»، آیا همانطور که در مساجد نماز تحیت خوانده می‌شود، در مشاهد مشرفه معصومین علیهم‌السلام هم می‌توان نمازی را به عنوان تحیت به جا آورد؟

پاسخ: این قاعده‌ای که بیان شد، روایت نمی‌باشد بلکه کلام فقهاء می‌باشد که مراد این است که در بعضی از امور مشاهد مشرفه معصومین علیهم‌السلام حکم مساجد را دارند، از قبیل حرمت داخل شدن شخص جنب. اما به این معنا نیست که تمامی احکامی که مسجد دارد، مشاهد معصومین علیهم‌السلام هم دارند و دلیلی وجود ندارد که در مشاهد معصومین علیهم‌السلام، نماز تحیت خوانده شود. بلکه در این اماکن مقدسه، نماز زیارت خوانده می‌شود.

پرسش: آیا واجب است کفاره و فدیه را از میت پرداخت کنند؟

پاسخ: کفاره و فدیه دین هستند و قبل از تقسیم ارثیه به وراث، از اصل مال میت پرداخت می‌شوند. خدای متعال می‌فرماید: «مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصي بِهَا أَوْ دَيْنٍ» (النساء 4: 11 و 12).

پرسش: در صورت صدا زدن والدین در حال نماز واجب، آیا می‌توان نماز را به نیت مستحب کرد و بعد نماز را باطل کرد؟

پاسخ: عدول در نماز مطلقاً جایز نیست مگر در برخی موارد، همچون اینکه شخصی مشغول به نماز واجب به صورت فرادا باشد و در اثناء نماز جماعت برپا شود. در این صورت می‌توان نماز واجب را به نیت مستحب کرد و بعد آن را قطع کرد. مورد دیگر این است که از لاحق به سابق عدول کند. مرحوم صاحب عروه موارد جواز عدول را ده مورد برشمرده و می‌فرماید: «لا يجوز العدول من صلاة إلى أخرى إلا في موارد خاصة أحدها في الصلاتين المرتبتين كالظهرين و العشائين إذا دخل في الثانية قبل الأولى عدل إليها بعد التذكر في الأثناء إذا لم يتجاوز محل العدول و أما إذا تجاوز كما إذا دخل في ركوع الرابعة من العشاء فتذكر ترك المغرب فإنه لا يجوز العدول لعدم بقاء محله فيتمها عشاء ثمَّ يصلي المغرب و يعيد العشاء أيضا احتياطا و أما إذا دخل في قيام الرابعة و لم يركع بعد فالظاهر بقاء محل العدول فيهدم القيام و يتمها بنية المغرب.

الثاني إذا كان عليه صلاتان أو أزيد قضاء فشرع في اللاحقة قبل السابقة يعدل إليها مع عدم تجاوز محل العدول كما إذا دخل في الظهر أو العصر فتذكر ترك الصبح القضائي السابق على الظهر و العصر و أما إذا تجاوز أتم ما بيده على الأحوط و يأتي بالسابقة و يعيد اللاحقة كما مر في الأدائيتين و كذا لو دخل في العصر فذكر ترك الظهر السابقة فإنه يعدل.

الثالث إذا دخل في الحاضرة فذكر أن عليه قضاء فإنه يجوز له أن يعدل إلى القضاء إذا لم يتجاوز محل العدول و العدول في هذه الصورة على وجه الجواز بل الاستحباب بخلاف الصورتين الأولتين فإنه على وجه الوجوب.

الرابع العدول من الفريضة إلى النافلة يوم الجمعة لمن نسي قراءة الجمعة و قرأ سورة أخرى من التوحيد أو غيرها و بلغ النصف أو تجاوز و أما إذا لم يبلغ النصف فله أن يعدل عن تلك السورة و لو كانت هي التوحيد إلى سورة الجمعة فيقطعها و يستأنف سورة الجمعة.

الخامس العدول من الفريضة إلى النافلة لإدراك الجماعة إذا دخل فيها و أقيمت الجماعة و خاف السبق بشرط عدم تجاوز محل العدول بأن دخل في ركوع الركعة الثالثة.

السادس العدول من الجماعة إلى الانفراد لعذر أو مطلقا كما هو الأقوى.

السابع العدول من إمام إلى إمام إذا عرض للأول عارض.

الثامن العدول من القصر إلى التمام إذا قصد في الأثناء إقامة عشرة أيام.

التاسع العدول من التمام إلى القصر إذا بدا له في الإقامة بعد ما قصدها.

العاشر العدول من القصر إلى التمام أو بالعكس في مواطن التخيير» (العروة الوثقی، ج2، ص122/ فصل في النیة، م20). البته به نظر می‌رسد که وقتی ایشان می‌فرماید: «و يعيد العشاء أيضاً احتیاطاً»، بنابر احتیاط اولوی است. همچنین اینکه می‌فرماید: «و يأتي بالسابقة و يعيد اللاحقة»، بنابر احتیاط اولوی است. همچنین اینکه می‌فرماید: «على وجه الجواز بل الاستحباب»، و در قضای همان روز، بنابر احتیاط مستحب است. لازم به ذکر است که نباید نماز واجب را از روی اختیار بشکنند، ولی برای حفظ مال و جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی، مانعی ندارد.

پرسش: این دو فرمایش فقها: «القضاء بأمر جدید» و «القضاء تابع للأداء»، هرکدام در چه مورد استفاده می‌شود؟

پاسخ: اینکه قضاء نیازمند به أمر جدید است، در اصل وجوب قضاء می‌باشد که نیاز به أمر جدید دارد. اما اینکه می‌فرمایند: «اقض ما فات کما فات» یا «القضاء تابع للأداء» درباره کیفیت قضاء نماز در قصر و اتمام می‌باشد. اگر نماز انسان به صورت قصر قضاء شد، باید به صورت قصر آن را قضاء کند. مرحوم شیخ حر عاملی روایات آن را در یک باب آورده است (ر.ک: وسائل الشیعة، ج8، ص268/ الباب 6).

پرسش: در تزاحم بین کراهت سفر در ماه رمضان و استحباب زیارت سید الشهداء علیه‌السلام، کدام مقدم می‌باشد؟

پاسخ: با توجه به روایات فراوان و تأکید بسیار زیادی که بر زیارت سیدالشهداء علیه‌السلام وارد شده است، زیارت سیدالشهداء علیه‌السلام مقدم می‌شود. تا آنجا که صحیحۀ علی بن مهزیار را که می گوید: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ زِيَارَةُ الرِّضَا علیه السلام أَفْضَلُ أَمْ زِيَارَةُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقَالَ زِيَارَةُ أَبِي أَفْضَلُ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَزُورُهُ كُلُّ النَّاسِ وَ أَبِي لَا يَزُورُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشِّيعَةِ (الکافي، ج4، ص584، ح1) فقها حمل بر قضیه خارجیه کرده و مختص به آن زمان با شرایط خاص می‌دانند. در نتیجه، اگرچه در روایات متعدد نهی از سفر در ماه رمضان تا قبل از شب بیست و سوم آمده است (ر.ک: وسائل الشیعة، ج10، ص181، باب 3)، اما روایات زیارت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام آن‌چنان قوتی دارد که شاید اقوی المتواترات باشد و روایتی که از سفر به زیارت امام حسین علیه‌السلام در ماه رمضان نهی می‌کند (همان، ص183، ح7) قضیة در واقعه است نه قضیۀ حقیقیه.

پرسش: چند نماز در مسجد جمکران مستحب است و کیفیت آن چگونه است؟

پاسخ: در مسجد جمکران دو نماز مستحب است که خوانده شود: 1ـ نماز تحیت مسجد، 2ـ نماز خاص مسجد جمکران. همان‌گونه که در حکایت تشرف حسن بن مثلۀ جمکرانی آمده است: «و قل للناس: ليرغبوا إلى هذا الموضع و يعزروه و يصلوا هنا أربع ركعات للتحية في كل ركعة يقرأ سورة الحمد مرة و سورة الإخلاص سبع مرات و يسبح في الركوع و السجود سبع مرات و ركعتان للإمام صاحب الزمان علیه السلام هكذا يقرأ الفاتحة فإذا وصل إلى (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) كرره مائة مرة ثم يقرؤها إلى آخرها و هكذا يصنع في الركعة الثانية و يسبح في الركوع و السجود سبع مرات فإذا أتم الصلاة يهلل و يسبح تسبيح فاطمة الزهراء علیها السلام فإذا فرغ من التسبيح يسجد و يصلي على النبي و آله مائة مرة» (بحار الأنوار، ج53، ص231/ جنة المأوی، ح8).

پرسش: آیا هو کشیدن در هیئات جایز است؟

پاسخ: از هو گفتن در هیئات اجتناب شود، بلکه هر چیزی که اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به خود نگفته‌اند، نباید گفت.

پرسش: مراد از آیه شریفه ﴿وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ﴾ [القمر 54: 50] چیست؟

پاسخ: اراده پروردگار همچون اراده ما نیست، بلکه همان‌طور که در روایات متعدد آمده: «الْإِرَادَةُ مِنَ الْخَلْقِ الضَّمِيرُ وَ مَا يَبْدُو لَهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ مِنَ الْفِعْلِ وَ أَمَّا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَإِرَادَتُهُ إِحْدَاثُهُ لَا غَيْرُ ذَلِكَ لِأَنَّهُ لَا يُرَوِّي وَ لَا يَهُمُّ وَ لَا يَتَفَكَّرُ وَ هَذِهِ الصِّفَاتُ مَنْفِيَّةٌ عَنْهُ وَ هِيَ صِفَاتُ الْخَلْقِ فَإِرَادَةُ اللَّهِ الْفِعْلُ لَا غَيْرُ ذَلِكَ يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ بِلَا لَفْظٍ وَ لَا نُطْقٍ بِلِسَانٍ وَ لَا هِمَّةٍ وَ لَا تَفَكُّرٍ وَ لَا كَيْفَ لِذَلِكَ كَمَا أَنَّهُ لَا كَيْفَ لَهُ» (الکافی، ج1، ص109، ح3). همچنین در روایتی از امام رضا علیه‌السلام آمده است: «وَ إِنَّمَا أَمْرُهُ ﴿كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ﴾ [النحل 54: 77] إِذَا شَاءَ شَيْئاً ﴿فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [البقرة 2: 117؛ آل عمران 3: 47؛ غافر 40: 68] بِمَشِيَّتِهِ وَ إِرَادَتِهِ وَ لَيْسَ شَيْ‏ءٌ مِنْ خَلْقِهِ أَقْرَبَ إِلَيْهِ مِنْ شَيْ‏ءٍ وَ لَا شَيْ‏ءٌ مِنْهُ هُوَ أَبْعَدَ مِنْهُ مِنْ شَيْ‏ءٍ» (توحید الصدوق، 440/ الباب 65، ح1).

پرسش: آیا معاوضۀ آرد با نان ربوی است؟

پاسخ: اگر نان به صورت عددی فروخته می‌شود و آرد به صورت کیلویی، معاوضۀ آنها ایرادی ندارد. ولی اگر هر دو مکیل یا موزون فروخته می‌شوند، این معامله اگر به نحو معاوضه باشد، معاملۀ ربوی و حرام است. اگر به نحو اجاره باشد، سزاوار است که تمام نان‌ها را به او بدهد و چیزی از آن کم نکند، سپس اجرت کارش را بگیرد، یا اینکه صاحب آرد، آرد را به نانوا بفروشد و سپس نان را از او بخرد.

پرسش: آیا صلوات خاصۀ فاطمیۀ به این شکل: «اللهم إني أسألك بفاطمة وأبيها وبعلها وبنيها»، «اللهم صل على فاطمة وأبيها وبعلها وبنيها» در نماز گفتن اشکال دارد؟

پاسخ: صلوات چون دعاست و مخاطب آن خدای متعال است، ایرادی ندارد.

پرسش: آیا چون حجاب جنبه اجتماعی دارد، می‌توان افراد بی‌حجاب را مجبور به حجاب کرد؟

پاسخ: حجاب همچون نماز و روزه یکی از واجبات الهی است، همان‌گونه که تارک نماز و روزه را نمی‌توان اجبار کرد. لازم به ذکر است که پیامبر اکرم صلی‌الله علیه وآله در زمان حکومت خود، منافقان را که با احکام الهی مخالفت کرده و ترک می‌کردند، مجبور نمی‌کردند.